

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۷

وصول مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۹

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۹/۲۸

صفحات: ۱۷۸ - ۱۵۹

تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت مورد شناسی: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان

دکتر فرامرز بریمانی^۱، هادی راستی^۲، میثم دهقانی^۳، راضیه جهانتیغ^۴

چکیده

در سکونتگاه‌های واقع در مرزهای شرقی ایران (مرزهای بین ایران-افغانستان و ایران-پاکستان)، - که بنا به دلایل امنیتی و غیرامنیتی در زمره مناطق مرزی بحران‌زا قلمداد شده‌اند- میزان سرمایه اجتماعی پایین‌تر از حد انتظار به نظر می‌رسد. این در حالی است که این سرمایه از عوامل کلیدی در توسعه پایدار سکونتگاه‌های مرزی شمرده می‌شود؛ از این رو پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل تهدیدکننده امنیت در چارچوب رهیافت سرمایه اجتماعی و بررسی تفاوت‌های مکانی آن در سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان انجام گرفته است. سرمایه اجتماعی، شاخص‌های اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی را دربر می‌گیرد. عوامل تهدیدکننده امنیت نیز بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی و فقدان کنترل اجتماعی را شامل می‌شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و همبستگی است. به دلیل گستردگی جامعه آماری، ۳۸۲ نفر از مردم محلی به روش کوکران و ۱۳۶ نفر مدیر محلی به روش سرشماری از میان شهرستان‌های میرجاوه، سراوان و زهک به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. داده‌های تحقیق به روش منطق فازی (نرم‌افزار MATLAB) و روش‌های آماری (SPSS) پردازش و تحلیل شد. یافته‌های پژوهش حاکی از میزان نسبتاً بالای سرمایه اجتماعی و میزان متوسط تهدیدکننده‌های امنیت به ترتیب با درجه (۰/۶۲۸) و (۰/۵۹۳) و نیز همبستگی بالا و معکوس بین سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت (۰/۸۳۸-) است. همچنین یافته‌ها بیانگر وجود تفاوت معنادار مکانی از نظر موقعیت سیاسی-جغرافیایی و نبود آن از نظر نوع سکونتگاه (روستایی و شهری بودن) است؛ بنابراین نتایج پژوهش نشانگر فقدان مدیریت کارآمد مناطق مرزی در منطقه و فقدان نگاه فرصت‌زا و فرصت‌ساز به مرز و مناطق مرزی است که معیشت و سایر ابعاد زندگی مرزنشینان را در پیوند با امنیت و توسعه منطقه‌ای و ملی تأکید کند.

کلید واژگان: سرمایه اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی، فقدان کنترل اجتماعی، سکونتگاه‌های مرزی سیستان و بلوچستان.

مقدمه

وجود امنیت به اندازه احساس امنیت اهمیت دارد و از نیازهای پایه بشری است (Boldrin et al, 2015: 264). امنیت به‌طور کلی به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و درباره افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، تعریف شده است (Jones, 1999: 102-104)؛ از این‌رو دانشمندان امنیت را به‌مثابه یکی از نیازهای اساسی انسان در نظر می‌گیرند (Caring, 1987; osler, 2001; Eldrige, 2005)؛ زیرا امنیت از محوری‌ترین نیازها و خواسته‌های هر جامعه انسانی برای برخورداری از زندگی سالم است. نبود امنیت و هرگونه اختلال در آن، پیامدهای زیان‌بار و چه بسا جبران‌ناپذیری به‌همراه داشته و برنامه‌های توسعه را با چالش مواجه خواهد کرد. اصولاً هرچه روابط اجتماعی موجود در جامعه از انسجام و وفاق بیشتری برخوردار باشد، امید دستیابی به امنیت و رفع ناامنی اجتماعی بیشتر می‌شود؛ به‌طوری‌که تهدید علیه امنیت اجتماعی مربوط به وضعیتی است که جوامع نسبت به مؤلفه‌های هویت خود احساس تهدید می‌کنند (Waver, 2009: 210). صاحب‌نظران مشهور، تعاریف و مفاهیم زیادی درباره سرمایه اجتماعی به‌کار برده‌اند. بورديو سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مجموع منابع بالقوه و بالفعلی که به عضویت در یک گروه مرتبط می‌شود تعریف می‌کند، که هر یک از اعضا با پشتیبانی از سرمایه اجتماعی آن را فراهم می‌کنند (Bourdieu, 1986: 243). به‌عبارتی، وی سرمایه اجتماعی را مجموعه منافع مادی یا معنوی می‌داند که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌و‌بیش نهادینه‌شده براساس آشنایی و شناخت کامل را در اختیار داشته باشند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۱). کلمن سرمایه اجتماعی را با کارکردش تعریف می‌کند. از نظر وی سرمایه اجتماعی، منبعی اجتماعی ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد

محسوب می‌شود. این دارایی شیء واحدی نیست؛ بلکه ویژگی‌هایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). وی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع می‌داند که در روابط خانواده و سازمان اجتماعی محلی وجود دارند. به عقیده وی این منابع برای افراد مختلف متفاوت‌اند و می‌توانند امتیاز مهمی برای توسعه سرمایه انسانی کودکان و جوانان ایجاد کنند (Coleman, 1988)؛ فیلد، ۱۳۸۶: ۴۴). پاتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از ویژگی‌های زندگی اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد می‌داند که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر، اهداف مشترک خود را تعقیب کنند و در نهایت، با اتحاد مبتنی بر اعتماد و تعاون به اهداف خود برسند (Putnam, 1995: 67). از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است و همین عناصر می‌توانند راه را برای نیل به منافع متقابل هموار کنند و این منافع فراتر از سطح فردی هستند که در سطح ملی مطرح می‌شوند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۶۷). از نظر فوکویاما به‌سادگی می‌توان سرمایه اجتماعی را به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تولید می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱). آنچه که به‌عنوان شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی شناخته شده‌اند عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی، که اغلب صاحب‌نظران بر آن اتفاق نظر دارند.

افراد مختلف با توجه به تنوع محیط پیرامونی، بینش متفاوتی از مقوله امنیت داشته و احساس امنیت را با توجه به نظام اقتصادی، نظام سلامت و تجربه‌های فردی نامنی، متغیر دانسته و دلهره ناشی از احساس نامنی را بیشتر از لایه‌های عینی و واقعی نامنی و

مسائل مربوط به این ناامنی‌ها، ناشی از وضعیت توسعه‌نیافتگی و پیامدهای تبعی آن بوده است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱-۲).

در کشور ایران طبیعت منزوی مناطق مرزی به‌ویژه در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹). در همین راستا، وجود بی‌عدالتی‌های محیطی و توسعه نامتوازن فضاهای جغرافیایی کشور به‌ویژه در نواحی مرزی جنوب شرق موجب گسست وحدت و همبستگی ملی و واکنش تحریکات واگرایانه در این مناطق قومی شده و به‌رغم تلاش‌هایی که پس از انقلاب اسلامی در جهت رفع محرومیت از نواحی کمتر توسعه‌یافته و نواحی مرزی جنوب شرق انجام شده است، باز به دلایلی از قبیل انزوای جغرافیایی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، وضع نامناسب اشتغال و بحران بیکاری، قاچاق مواد مخدر و کالا، مهاجرت و عوامل محدودکننده امنیت سرمایه‌گذاری، باعث شده که این مناطق از چرخه توسعه باز مانده و شاخص‌های توسعه در آن‌ها در سطح مطلوبی قرار نگیرد. از جهتی نیز شاخص‌های توسعه اقتصادی، فضایی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکی از آن است که ایران از ساختار فضایی در قالب مدل مرکز-پیرامون در مقیاس محلی، ملی و ناحیه‌ای برخوردار است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۶-۱۸۷).

مباحث مطرح‌شده و نیز همسایگی ایران با کشورهای نابه‌سامان از لحاظ امنیتی و اقتصادی (افغانستان، پاکستان)، اهمیت بررسی و تبیین عوامل تهدیدکننده امنیت را در چارچوب رهیافت سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان دوچندان می‌کند. این استان به‌گواه بسیاری از تحقیقات گذشته از لحاظ بیشتر شاخص‌های توسعه، دارای وضعیت مطلوبی در کشور نیست (زیاری، ۱۳۷۹؛ رضوانی، ۱۳۸۱؛ مولایی، ۱۳۸۶؛ قاسمی‌اردهایی، ۱۳۸۷؛ شیخ‌بیگللو، تقوایی و وارثی، ۱۳۹۱) و از مناطق

وقوع جرم در اذهان دارند (Lindstrom, 2008: 1). این لایه‌های عینی و ذهنی امنیت تحت‌تأثیر عوامل مختلفی صورت می‌گیرند. جرایم و انحرافات از مهمترین تهدیدکننده‌ها که عمدتاً دربرگیرنده شاخص‌های بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی و فقدان کنترل اجتماعی است، در چارچوب رهیافت سرمایه اجتماعی بهتر قابل درک می‌باشند؛ زیرا سرمایه اجتماعی با فراهم کردن فضای اعتماد، همکاری بین گروه‌های اجتماعی را امکان‌پذیر ساخته و همین همکاری گروه‌ها و اعتماد بین آنها باعث می‌شود که منافع همگانی مانند امنیت فراهم‌شده و هزینه‌های نظارت نهاد‌های رسمی نیز کاهش یابد (فیروزآبادی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). اعتقاد بر این است که سرمایه اجتماعی از محوری‌ترین شاخص‌هایی است که در ارتقای امنیت، تأمین سلامت جامعه و داشتن جامعه‌ای آرام و مطلوب نقش اساسی ایفا می‌کند (راموز، ۱۳۸۳: ۸۸). این سرمایه حتی نقش مهمتری از سرمایه‌های انسانی و فیزیکی در جامعه داشته و در غیاب سرمایه اجتماعی و بدون آن پیمودن مسیر توسعه فرهنگی، اقتصادی و امنیتی دشوار یا غیرممکن است (نادری و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۱).

در این راستا، در مناطق مرزی به دلیل وجود انواع مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مسئله امنیت با حساسیت و چالش مضاعفی روبه‌رو است؛ زیرا نتایج مطالعات انجام‌شده در مناطق مرزی از جنبه علمی نشان می‌دهد که کشورهایی با مساحت وسیع مانند ایران، دارای تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی مشهودی بین مناطق مرکزی و مرزی می‌باشند و این عدم تعادل‌ها، تأثیرات عمده‌ای در دو جهت برجای گذاشته است: یکی اینکه حرکت توسعه را با کندی مواجه ساخته و در مرحله بعد نیز به گسترش ناامنی در مناطق مرزی منجر شده و کل نظام توسعه، امنیت و مدیریت این مناطق را تحت تأثیر قرار داده است (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۸). همچنین از جنبه عملی نیز کشورهایی که درگیر مسائل ناامنی در مناطق مرزی خود بوده‌اند، دریافته‌اند که عمده‌ترین

پیشینه پژوهش

در ارتباط با سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت در جهان و ایران مطالعاتی صورت گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به گرین برگ و همکاران (۱۹۸۲)، سمپسون و گروز (۱۹۸۹)، اسکوگان (۱۹۸۶)، سامپسون و همکاران (۱۹۹۷)، رابینسون و همکاران (۲۰۰۳)، بیرلن (۲۰۰۵)، اکارت و کرین (۲۰۰۶)، جکسون (۲۰۰۷)، عرف (۱۳۷۶)، مشکانی و مشکانی (۱۳۸۱)، سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸)، بیات (۱۳۸۹)، صالحی‌امیری و افشاری‌نادری (۱۳۹۰)، نیازی و همکاران (۱۳۹۰)، ذاکری‌ماهانه و همکاران (۱۳۹۱)، بنی‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۱)، قدیمی و قاسمی (۱۳۹۱)، عسگری و شرافت (۱۳۹۲) و پیلتن و برومند (۱۳۹۳) اشاره کرد (جدول ۱). آنچه پژوهش حاضر را از تحقیقات پیشین متمایز می‌کند این است که این پژوهش در چارچوبی جامع، عوامل تهدیدکننده امنیت را در چارچوب رهیافت سرمایه اجتماعی در یک منطقه مرزی محروم - که در زمره مرزها و مناطق مرزی بحران‌زای کشور جای دارد - مورد تبیین و بحث قرار می‌دهد.

مرزی چالش‌برانگیزی در دهه‌های گذشته و به‌ویژه سال‌های اخیر برخوردار بوده است. شهرستان‌های مرزی میرجاوه، سراوان و زهک به‌عنوان جامعه این تحقیق که خود جزء نواحی توسعه‌نیافته در استان سیستان و بلوچستان ارزیابی شده‌اند (قائد رحمتی و همکاران، ۱۳۸۹ و ابراهیم‌زاده و رئیس‌پور، ۱۳۹۰)، نه تنها از این قاعده مستثنی نیستند؛ بلکه با چالش‌های توسعه‌ای و امنیتی بیشتری مواجه‌اند. علاوه‌براین با ایجاد مرز فیزیکی در این مناطق، تحولات جدیدتری در شرایط زندگی و فضای امنیتی به وقوع پیوسته است که نیازمند بحث و بررسی علمی است؛ از این‌رو پژوهش حاضر، تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت و تفاوت‌های مکانی آن (تفاوت شهر و روستا و تفاوت بین شهرستان‌ها) در شهرستان‌های نامبرده را هدف قرار داده است. بر این اساس سؤال‌های زیر مطرح می‌شوند:

- ۱ - میزان سرمایه اجتماعی و امنیت در محدوده مورد مطالعه در چه حدی قرار دارد؟
- ۲ - آیا بین سرمایه اجتماعی و امنیت رابطه معناداری وجود دارد؟
- ۳ - تفاوت‌های مکانی امنیت و سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه چگونه است؟

جدول ۱. برخی مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده مرتبط با موضوع پژوهش

۱	محققان و سال	قلمرو	ابعاد و شاخص‌ها	متغیرهای مورد بررسی
۵ ۸	گرین برگ و همکاران (۱۹۸۲)	---	- انسجام اجتماعی - کنترل محلی	- همگرایی و احساس تعلق عاطفی به اجتماع و محل - احساس تحت کنترل بودن افراد توسط دیگر افراد اجتماع
	سمپسون و گروز (۱۹۸۹)	---	- سرمایه اجتماعی - امنیت	- شبکه‌های دوستی محلی، مشارکت سازمانی، همگرایی و انسجام، کنترل گروه‌های هم‌سال نوجوان - میزان جرم و بزهکاری
	اسکوگان (۱۹۸۶)	---	- سرمایه اجتماعی - امنیت	- شبکه‌های اجتماعی همچون روابط دوستانه و تبادل اطلاعات - نامنی و اطلاع از احوال بزه‌دیدگان محلی، رفتارهای ضداجتماعی، میزان ترس و نوع برآورد از خطر بزه‌دیدگی
	سامپسون و همکاران (۱۹۹۷)	شیکاگو (آمریکا)	- سرمایه اجتماعی - امنیت	- انسجام و روابط اجتماعی، تمایل به مشارکت در امور عام‌المنفعه - میزان خشونت و جرم
	سمپسون و گروز (۲۰۰۰)	---	- سرمایه اجتماعی - بی‌سازمانی اجتماعی	- فقدان همگرایی و انسجام اجتماعی، بی‌ثباتی و روابط ضعیف - میزان جرم و کج‌روی، احساس ناامنی
	رابینسون و همکاران (۲۰۰۳)	بالتیمور (آمریکا)	- بی‌سازمانی اجتماعی - امنیت	- بی‌نظمی اجتماعی و رضایت از اجتماع - ترس از جرم و خشونت
	بیرلن (۲۰۰۵)	---	- سرمایه اجتماعی - امنیت	- وجود فرقه‌های دینی و روابط و انسجام اجتماعی ناشی از آن - کاهش جرم و خشونت

اکارت و کراین (۲۰۰۶)	شهر هسلت (بلژیک)	- سرمایه اجتماعی - احساس امنیت	- انسجام و مشارکت اجتماعی (روابط اجتماعی و شرکت در جلسات عمومی) - نبود احساس ترس و نگرانی در محل
جکسون (۲۰۰۷)	---	- سرمایه اجتماعی - احساس امنیت	- همگرایی و پیوندهای اجتماعی، کنترل اجتماعی غیررسمی - جرایم محلی، نگرش اقتدارگرایانه به قانون، نگرانی نسبت به انحراف جامعه
عرف (۱۳۷۶)	شهر قزوین (ایران)	- پایگاه اقتصادی- اجتماعی - ناامنی (آشوب)	- احساس محرومیت، نارضایتی شغلی و درآمدی، نارضایتی عمومی از دولت - خشونت و آشوب اجتماعی
مشکانی و مشکانی (۱۳۸۱)	تهران (ایران)	بزهکاری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن براساس نظریه کنترل اجتماعی	- بزهکاری (دفعات ارتکاب جرم و دستگیری، نحوه ارتکاب فردی و جمعی، نقش بزهکار در ارتکاب جرم به عنوان رهبر یا مجری) - عوامل مؤثر (سن، سواد، جنسیت، محل زندگی، وضع مهاجرت، رابطه با خانواده، باورها و اعتقادات، نوع نگرش به قانون، رابطه با افراد خلافکار)
سراجزاده و گیلاتی (۱۳۸۸)	تهران	- امنیت - بی‌سازمانی اجتماعی	- احساس امنیت، ترس از جرم - بی‌نظمی اجتماعی، تعلق خاطر به محله، پیوند محله‌ای (با همسایگان)، تنوع خرده‌فرهنگی، نگرش نسبت به عملکرد پلیس، تجربه بزه‌دیدگی
بیات (۱۳۸۹)	تهران	- سرمایه اجتماعی پلیس - امنیت اجتماعی	- اعتماد به پلیس، مشارکت با پلیس و آگاهی نسبت به پلیس - احساس ترس و وحشت، تهدید در برابر ارزش‌های کسب‌شده، وقوع جرایم (سرقت منازل، کلاهبرداری، مزاحمت نوامیس، سرقت اتومبیل و...)
صالحی‌امیری و افشاری‌نادر (۱۳۹۰)	تهران (ایران)	- سرمایه اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی - امنیت	- (اعتماد به نهادها و مسئولان دولت، اعتماد به نیروهای امنیتی، اعتماد به مردم، شکاف طبقاتی، انتقادپذیری مسئولان) (خودکشی، قتل، سرقت، کودک آزاری، درگیری و مزاحمت خیابانی، گسترش اعتیاد) - امنیت غذایی، شغلی، اعتقادی، آزادی بیان و احساس امنیت
نیازی و همکاران (۱۳۹۰)	---	- سرمایه اجتماعی - احساس امنیت	- اعتماد، انسجام، مشارکت و آگاهی اجتماعی - امنیت در هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان به‌ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها
ذاکری ماهانه و همکاران (۱۳۹۱)	شهر یزد (ایران)	- سرمایه اجتماعی (اعتماد، شبکه و هنجار اجتماعی) - امنیت	- اعتماد بین مردم، اعتماد نهادی، روابط، مشارکت، شبکه‌ها و پیوندهای اجتماعی - امنیت جانی، مالی، اقتصادی، شغلی، اخلاقی، فرهنگی، عاطفی، احساسی، فکری، حقوقی، قضایی و نوامیس
بنی‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۱)	زنجان (ایران)	- بی‌سازمانی اجتماعی - بزهکاری نوجوانان	- نابسامانی اجتماعی، روابط محله‌ای، احساس تعلق محله‌ای - خشونت، سرقت و تقلب، کج‌روی فرهنگی، استعمال مواد مخدر
قدیمی و قاسمی (۱۳۹۱)	زنجان (ایران)	- احساس امنیت - احساس محرومیت نسبی	- احساس امنیت جانی، مالی، شغلی، بیانی، روانی و سیاسی - مقایسه فرد با دیگران از نظر شغل و درآمد، جایگاه اجتماعی، تحصیلات
عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۱)	---	- سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام) - انومی اجتماعی	- اعتماد به دوستان، همکاران و سایر مردم، اعتماد به نهادهای دولتی، روابط اجتماعی، احترام به حقوق دیگران، مشارکت در فعالیت مذهبی و عمومی، شرکت در انتخابات. - ناامیدی به آینده، احساس بی‌قدرتی، بدبینی به امور روزانه، نبود قانون مشخص در زندگی، غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده، بی‌زاری از زندگی
عسگری و شرافت (۱۳۹۲)	شهرستان مهران (ایران)	- اعتماد اجتماعی - احساس امنیت و طرد اجتماعی	- اعتماد بین افراد، اعتماد به نهادها و مسئولین، احترام به حقوق همدیگر - امنیت جانی و مالی، تجربه تبعیض، دیده‌نشدن در برنامه‌های توسعه، پایمال شدن حقوق شهروندی
پیلتن و برومند (۱۳۹۳)	شهر جهرم (ایران)	- سرمایه اجتماعی - امنیت اجتماعی	- مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، تمایل به گروه‌گرایی، تعاملات اجتماعی و پیوند خانوادگی - امنیت شغلی، سرقت، ترس از جرم، مصونیت در برابر خطرات اجتماعی و آلودگی‌ها، احساس اطمینان

منبع

مبانی نظری

رابطه بین سرمایه اجتماعی و ناهنجاری‌های اجتماعی از جهت نظری با دیدگاه‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان، جرایم و انحرافات را به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت بررسی کرده‌اند. کلمن با اشاره به اهمیت قواعد هنجاری و حضور آن به‌عنوان عنصر ممنوع‌کننده در داخل شبکه‌های اجتماعی در برابر انحرافات اجتماعی، این امکان را در جهت امنیت‌پروری در سطوح شبکه‌ای فراهم می‌آورد (Colman, 1988: 98)؛ بنابراین برای تبیین رابطه عوامل تهدیدکننده امنیت و سرمایه اجتماعی، سه تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی که تبیین‌های مستحکمی دارند، ارائه شده است (بیات، ۱۳۸۹: ۶۴).

الف) بی‌سازمانی اجتماعی

بی‌سازمانی اجتماعی بیشتر از طریق کارهای رابرت سمپسون مورد توجه قرار گرفته است. استدلال اساسی تئوری بی‌سازمانی اجتماعی این است که جرم نتیجه کاهش همبستگی اجتماعی است. زمانی که اجتماعات نابسامان می‌شوند، همسایه‌ها نسبت به نظارت و بازبینی خاطیان بالقوه بی‌میل می‌شوند و پیامد این بی‌میلی و نبود مسئولیت نسبت به رفتار دیگران، افزایش رفتارهای کجرو خواهد بود. درحقیقت در این دیدگاه کاهش سرمایه اجتماعی فردی و سازمانی به تضعیف همبستگی محله‌ای می‌انجامد و بی‌سازمانی اجتماعی را در جامعه گسترش می‌دهد و زمینه برای بروز جرایم مهیا می‌شود. به‌نظر می‌رسد این فرضیه منطقی باشد که هر دو عنصر اصلی سرمایه اجتماعی (تعهد مدنی و اعتماد) با سازمان اجتماعی قوی همبستگی دارد. مشارکت در فعالیت‌های مدنی باید پیوندهای بین شخصی را ترویج کند که پایه‌هایی برای کنترل غیررسمی به‌شمار می‌آیند. علاوه بر این درگیری در فعالیت‌هایی که آشکارا به‌دلیل حفاظت از جرم مورد هدف قرار گرفته‌اند، مانند تحت‌نظرگرفتن رفتار همسایه‌ها، خود شکلی از تعهد مدنی است؛ بنابراین،

سطوح بالای تعهد مدنی باید سازمان اجتماعی را تقویت و کنترل اجتماعی غیررسمی را ترویج کند که بدین طریق باعث سطوح پایین جرم و خشونت می‌شود (Sampson and Groves, 1989: 781).

سمپسون و گروز (۱۹۸۹) مدلی را براساس کار اولیه شاو و مک‌کی در سطح اجتماعی طراحی و آن را به‌طور تجربی بررسی کردند. فرضیه کلی آنها این بود که پایگاه اقتصادی پایین، ناهمگونی قومی، تحرک مسکونی و فروپاشی خانواده به بی‌سازمانی اجتماعی می‌انجامد و به‌دنبال آن میزان جرم و بزهکاری در اجتماع افزایش می‌یابد. در این مدل، سازمان اجتماعی با معرف‌هایی همچون شبکه‌های دوستانه محلی، کنترل گروه‌های همسال و گسترش مشارکت سازمانی مطرح شده است. آنها مدل خود را در دو مرحله (۱۹۸۲ و ۱۹۸۴) آزمودند و به این نتیجه رسیدند که در هر دو مرحله، پیمایش تغییرات موجود در بی‌سازمانی اجتماعی تحت‌تأثیر ویژگی‌های ساختاری اجتماع قرار گرفته و میزان جرم و بزهکاری را افزایش داده است. طبق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی اساس آن چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد؛ بنابراین، اجتماعات سازمان‌نیافته تا حدودی از جرم و شرایط منفی دیگر رنج می‌برند، زیرا آنها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (Sampson and Groves, 1989: 780).

ب) محرومیت نسبی

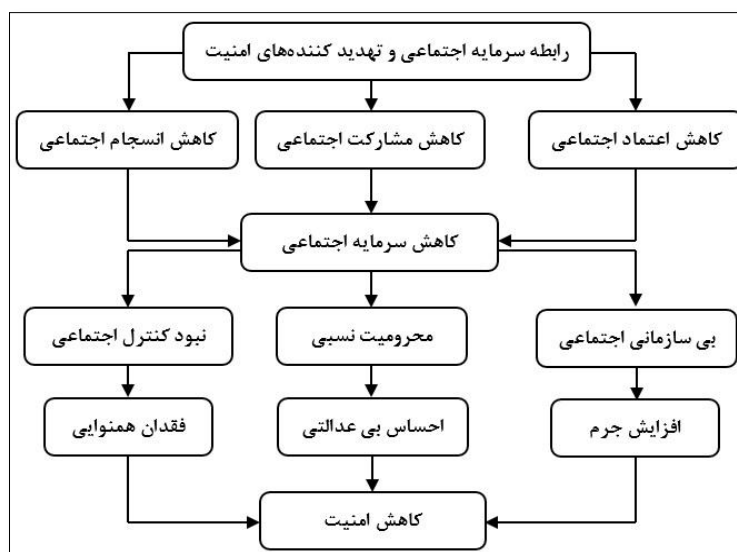
جودیس بلاو و پیتر بلاو (۱۹۸۲) مطرح کرده‌اند که نابرابری‌های چشمگیر به این احساس می‌انجامد که ثروتمندان زیادی در این منظر وجود دارند؛ اما برای بسیاری از مردم، ثروت‌ها در دسترس نیست و زندگی در فقر را درپیش گرفته‌اند؛ در نتیجه، ناخشنودی زیاد، سرخوردگی، نومیدی و از خودبیگانگی به‌وجود می‌آید که احساس بی‌عدالتی، نارضایتی و بی‌اعتمادی را تولید می‌کنند. سطح بالای بی‌اعتمادی در میان اعضای جامعه، انسجام کمتر را در آن جامعه در پی خواهد داشت. ویلکینسون (۱۹۹۶) به یکسری شواهد کیفی

گروه توسط فرد است که سبب تغییری در رفتار او می‌شود. الگوی هیرشی، پیدایش کج‌روی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. در این الگو، هیرشی از یک سو خود را از این تحلیل دورکیم متأثر می‌بیند که مدعی است «کج‌روی یا خودکشی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است»؛ اما از سوی دیگر، برخلاف دورکیم و همفکران او، انسان را به‌خودی‌خود متکی و پایبند به اصول اخلاقی و مانند آن نمی‌داند. پس فرض را بر قطعی بودن تحقق کج‌روی در جامعه می‌گذارد و به ریشه‌یابی وقوع همنوایی در جامعه می‌پردازد. هیرشی چهار عنصر زیر را به‌عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر، چهار عنصر دلبستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد را متغیرهای کنترل‌کننده رفتار معرفی می‌کند. پس کنترل اجتماعی یکی از کارکردهای سرمایه اجتماعی در ارتباط با امنیت است؛ زیرا نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به‌وجود می‌آورد و این همان چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۳: ۴۳).

و کمی گوناگون استناد کرده است که نشان می‌دهند جوامع دارای برابری (مساوات طلبی) زیاد، گرایش به انسجام بیشتری دارند. کاواچی و دیگران (۱۹۹۷) روابط بین شخصی میان نابرابری درآمد منطقه‌ای و سطوح سرمایه اجتماعی را بررسی کردند و دریافتند که اعتماد پایین بیشتر مردم، همبستگی بالایی با درجه نابرابری درآمد در هر ایالت دارد. به طور مشابه، تراکم مشارکت مدنی که با درصد عضویت گروهی ارزیابی شده بود، با نابرابری درآمد رابطه داشت (Kawachi et al, 1997: 1491).

ج) کنترل اجتماعی

نظریه‌های کنترل، فرض را بر این قرار می‌دهند که رفتار افراد، رفتاری ضداجتماعی خواهد بود و تمام افراد پتانسیلی برای زیرپا گذاشتن قانون دارند؛ مگر اینکه دیگران آنها را در جهت ترک آن هدایت کنند. تراویس هیرشی در تئوری خود، رابطه سرمایه اجتماعی و جرم را به تصویر کشیده است. او عنصر بسیار اساسی در کنترل اجتماعی را پیوند بین فرد و جامعه می‌داند و معتقد است که اگر این رابطه ضعیف باشد، فرد فشار کمتری را برای همنوایی احساس می‌کند؛ اما اگر رابطه قوی باشد، فرد چیزهای زیادی دارد که اگر کج‌روی کند آنها را از دست خواهد داد، پس مجبور به همنوایی می‌شود. همنوایی احساس فشار واقعی یا خیالی از سوی



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

روش‌شناسی

در مجموع ۵۱۸ نفر به‌دست آمد. با استخراج مؤلفه‌ها و معرف‌ها از ادبیات موضوع و مبانی نظری (جدول ۲)، ابزار سنجش طراحی شد و سپس داده‌های تحقیق با تکمیل پرسشنامه از مردم و مدیران محلی (شوراها، دهیاران، شهرداران، فرمانداران) به‌دست آمد. ابزار سنجش با اعمال نظر کارشناسان موضوع روایی شد و پایایی آن به‌وسیله آلفای کرونباخ (۰/۷۴۴-۰/۹۰۱) محاسبه شد (جدول ۳). روش تحلیل در این پژوهش کمی است که در ارزیابی سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت از منطق فازی در جعبه‌ابزار نرم‌افزار متلب (MATLAB) و در بررسی همبستگی از روش‌های آماری (SPSS) استفاده شده است.

این پژوهش دارای روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی است و جامعه آماری آن همهٔ مرزنشینان ساکن در نواحی روستایی و شهری شهرستان‌های میرجاوه، سراوان و زهک هستند که شامل ۱۳۴۰۲ خانوار و ۵۶۹۴۱ نفر جمعیت (۴۳۴۹۰ نفر شهری و ۱۳۴۵۱ نفر روستایی) می‌باشند. در این میان ۲۴ سکونتگاه روستایی و ۴ سکونتگاه شهری (روستا-شهر) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و حجم نمونه به روش کوکران ۳۸۲ نفر مردم محلی (۱۴۱ نفر از شهرنشینان و ۲۴۰ نفر از ساکنان روستایی) و به روش سرشماری، ۱۳۶ مدیر محلی (۴۰ مدیر شهری و ۹۶ مدیر روستایی) محاسبه شد، که

جدول ۲. شاخص‌ها و معرف‌های مورد بررسی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	معرف‌ها
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد به همسایه‌ها، اعتماد به سایر مردم محل، مدیران محلی، مسئولان و نهادهای دولتی، اعتماد به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی
	مشارکت اجتماعی	همکاری با مدیران محلی، همکاری با دولت (با نیروی انتظامی در جهت برقراری امنیت)، شرکت در انتخابات شورای محل، شرکت در مراسم‌های مذهبی و عمومی، تمایل به مشارکت در امور عام‌المنفعه
	انسجام اجتماعی	میزان همدلی و همگرایی بین مردم محل، هنجارها و ارزش‌ها (خیرخواهی، صداقت، احترام به عقاید همدیگر و...)، همگرایی بین مردم و مدیران محلی، پیوند میان مردم و نهادهای دولتی، پیوند مردم و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی
تهدیدکننده‌های امنیت	بی‌سازمانی اجتماعی	خطر از دست دادن اموال شخصی و عمومی، خطر جانی، تعهد ضعیف در کنترل همسایگان و آشنایان محلی هنگام اقدام و ارتکاب جرم، پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین از نظر شغل و درآمد و تحصیلات، درگیری طایفه‌ای، فروپاشی خانواده به دلیل قتل یا نقص عضو نان‌آور، نبود شبکه‌های دوستانه محلی برای کنترل رفتار بزهکارانه
	محرومیت نسبی	احساس تبعیض قومیتی و مذهبی، نابرابری درآمدی و شغلی، نابرابری توزیع امکانات زیربنایی، نارضایتی از عملکرد متولیان توسعه (دولت)
	فقدان کنترل اجتماعی	وقوع سرقت‌های مسلحانه، عدم دسترسی به نیروهای امنیتی در مواقع اضطرار، عدم همراهی با جامعه در جهت کنترل ناهنجاری و جرم به دلیل حفظ منافع یا ترس از فشار اجتماعی، فقدان دلبستگی به محل زندگی، عدم تعهد اجتماعی (پیروی نکردن از دستورات مذهبی و عدم احساس وظیفه در برقراری امنیت محل)، باور ضعیف به نیکوکاری

(منبع: مطالعات نگارندگان در مبانی نظری و پیشینه پژوهش، ۱۳۹۴)

جدول ۳: بررسی پایایی شاخص‌های مورد بررسی

مؤلفه	شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفا
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۵	۰/۸۹۸
	مشارکت اجتماعی	۵	۰/۹۰۱
	انسجام اجتماعی	۶	۰/۸۱۴
تهدیدکننده‌های امنیت	بی‌سازمانی اجتماعی	۶	۰/۸۵۹
	محرومیت نسبی	۵	۰/۷۴۴
	فقدان کنترل اجتماعی	۸	۰/۸۳۱

(منبع: بررسی‌های میدانی و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۵)

تدوین شده و در نهایت در جعبه‌ابزار فازی در نرم‌افزار MATLAB مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت. (ج) نافازی‌سازی: در این مرحله پس از بررسی نتایج قواعد فازی، طی فرایندی داده‌های کیفی به داده‌های کمی تبدیل شد. در این رابطه چندین روش تبدیل برپایه الگوریتم‌های ریاضی وجود دارد. روش «مرکز ثقل» از جمله مهم‌ترین آنهاست که در این پژوهش از آن استفاده شده است (Al-jarrah & Abu-qdais, 2006: 301).

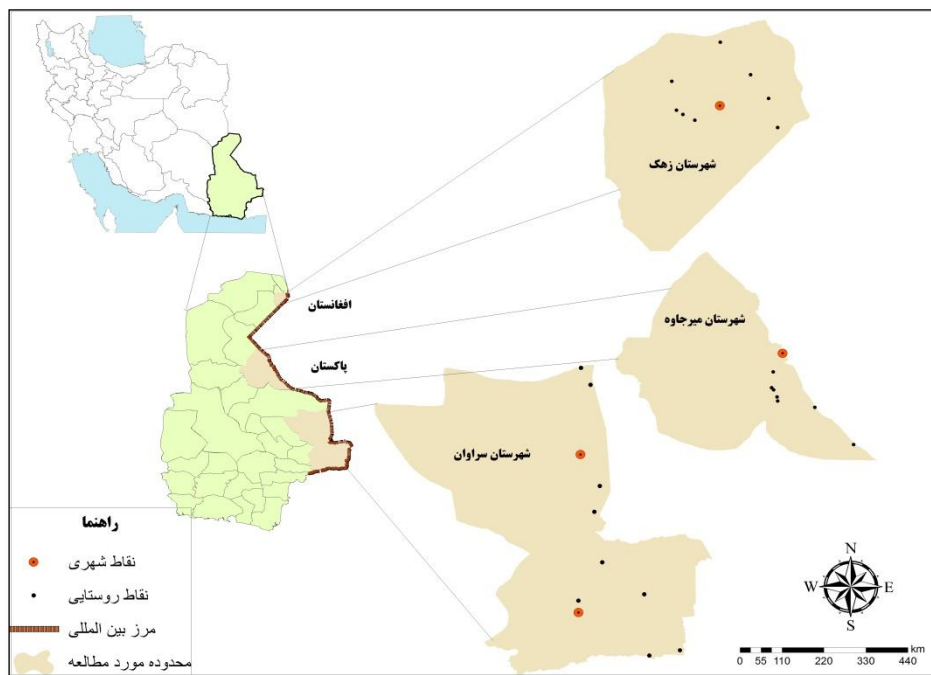
محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شامل سه شهرستان مرزی در استان سیستان و بلوچستان است، که عبارت‌اند از: شهرستان‌های میرجاوه، سراوان و زهک. محدوده مورد مطالعه در عرض جغرافیایی ۲۶ درجه در سراوان تا ۳۰ درجه در زهک و نیز در طول جغرافیایی ۶۱ درجه در زهک و میرجاوه تا ۶۳ درجه در سراوان واقع شده است. شهرستان‌های میرجاوه و سراوان در سمت شرقی استان (مرز ایران و پاکستان) و شهرستان زهک در سمت شمال شرقی استان (منطقه مرزی بین ایران و افغانستان) واقع شده‌اند (شکل ۳). محدوده مرزی مورد مطالعه طبق آخرین تقسیمات کشوری مشتمل بر ۸۳۷ سکونتگاه روستایی، ۵ شهر، ۸ بخش و ۱۷ دهستان است. این محدوده طبق پهنه‌بندی اقلیمی در استان سیستان و بلوچستان، دارای اقلیمی گرم و خشک (در شهرستان زهک)، نیمه‌خشک و معتدل (در شهرستان میرجاوه) و خشک و خیلی گرم بیابانی (در شهرستان سراوان) است (سلیقه و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۸). جمعیت ساکن در این محدوده طبق آمار سرشماری ۱۳۹۰ شامل ۶۶۵۱۴ خانوار و ۲۹۰۲۰۹ نفر است که ۱۷۶۵۷۲ نفر در نواحی روستایی و ۱۱۳۶۳۶ نفر در شهرها سکونت دارند. براساس همین سرشماری نسبت باسوادی ۷۱/۵ درصد (۶۵/۹ درصد روستایی و ۸۰/۲ درصد شهری) و نرخ اشتغال ۵۹/۶ درصد است. این آمارها حاکی از میزان بالای بی‌سوادی و بیکاری در منطقه است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

در این پژوهش، منطق فازی طی سه مرحله به‌صورت زیر اجرایی شده است:

الف) فازی‌سازی ورودی‌ها: در این مرحله داده‌های اولیه به کمک جمع و تفریق جبری ساده و میانگین هندسی، نرمالیزه شده و برای ورود به جعبه‌ابزار فازی آماده شد. سپس مجموعه فازی متغیرها و شاخص‌های ورودی و خروجی تعریف شد. تابع عضویت هر متغیر و شاخص نشانگر وضعیت منطقه در آن متغیر و شاخص است. طبقه‌بندی توابع عضویت داده ورودی را به‌صورت مجموعه‌های فازی در قالب طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) تقسیم می‌کند که دامنه تمام داده‌های ورودی با چنین متغیرهایی یا نسبت‌دادن درجه، دسته‌بندی می‌شود. در این مرحله برای سرمایه اجتماعی ۱۵ تابع عضویت در قالب سه شاخص و برای تهدیدکننده‌های امنیت ۱۸ تابع عضویت نیز در قالب سه شاخص تعریف شد.

ب) مرحله استنتاج: پس از تعریف درجه‌های توابع عضویت متغیرها به زبان فازی و به‌تبع آن شکل‌گیری قواعد «اگر- آنگاه» فازی، قواعد فازی موردنظر ارزیابی شده و خروجی فازی حاصل خواهد شد (کردستانی و رحیمی، ۱۳۸۸: ۸۷). متغیرهای قرارگرفته در یک خوشه با استفاده از عملیات اشتراک فازی محاسبه خواهند شد. در این مرحله نظر کارشناس خبره در موضوع مورد مطالعه به‌عنوان پایگاه دانش و مجموعه قوانین بنیانی که در آن متغیرهای زبانی به‌کار می‌رود، اعمال شده و با استفاده از قواعد «اگر- آنگاه فازی»، تمام حالات ممکن برای متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی در نظر گرفته شد. در واقع فرد خبره با استفاده از نظر علمی و تجربیات خویش، با توجه به اهمیت و وزن متغیرها و در نظر گرفتن نوع تابع حاصل از ترکیب حالات مختلف این متغیرها، پاسخ خود را اعمال کرده است. مقدار عضویت تابع خروجی نیز اشتراک دو تابع ورودی است. در مرحله مذکور بعد از تعریف ورودی‌ها، درجات توابع عضویت متغیرها و شاخص‌های مرتبط در یک مجموعه تعیین شد، سپس قواعد فازی محتمل



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی و سیاسی محدوده مورد مطالعه و سکونتگاه‌های نمونه
(منبع: پایگاه داده‌های علوم زمین کشور، ۱۳۹۵)

و...، امکانات و خدمات آموزشی، درمانی و رفاهی دچار فقدان یا کاستی‌های اساسی هستند.

یافته‌ها

از نظر مذهب، ۱۹/۹ درصد جامعه نمونه شیعه و ۸۰/۱ درصد اهل تسنن هستند. از لحاظ تحصیلات ۱۳/۵ درصد جامعه نمونه کاملاً بی‌سواد، ۴۶ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۹/۷ درصد دیپلم و فوق دیپلم و ۱۰/۸ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند. از نظر وضعیت شغلی، ۱۲/۶ درصد افراد نمونه دارای شغل کشاورزی و دامداری، ۲۰ درصد پیشه‌وری، ۷/۵ درصد خانه‌داری، ۹/۴ درصد کارگری، ۱۴ درصد کارمند، ۱۹/۴ درصد دارای مشاغل آزاد، ۳/۳ درصد دارای مشاغل مثل تجارت مرزی و... و ۱۳/۹ درصد بیکار هستند. از لحاظ درآمد ماهیانه، ۴۹/۶ درصد جامعه نمونه درآمد خانوار خود را کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۱۴/۱ درصد بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار، ۱۲/۵ درصد بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار، ۲۳/۷ درصد آن را بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان اظهار کرده‌اند.

اقتصاد غالب در نواحی روستایی شهرستان میرجاوه بر باغداری خرما و مرکبات و در شهر میرجاوه بیشتر بر بخش خدمات (کسب‌وکارهای تجاری بازار) استوار است. در شهرستان سراوان کشاورزی به‌ویژه باغداری خرما شکل غالب اقتصاد روستایی و تاحدودی در نواحی شهری همراه با اقتصاد خدماتی است. در شهرستان زهک اقتصاد غالب روستایی بر زراعت گندم، جو و صیفی‌جات و اقتصاد غالب شهر بیشتر بر بخش خدمات استوار است. براساس شواهد موجود و اظهارات ساکنان محلی، بسیاری از مرزنشینان منطقه به مشاغل غیرمتعارفی همچون قاچاق سوخت و کالا اشتغال دارند و این یعنی وجود میزان بالای بیکاری در منطقه، که نرخ ۴۰/۴ درصدی بیکاری مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) در این محدوده مرزی بر آن مهر تأیید می‌زند. علاوه‌براین محدوده مورد مطالعه به‌ویژه نواحی روستایی آن از لحاظ برخورداری از منابع و زیرساخت‌های تولیدی (منابع آب و زمین، تسهیلات مالی، صنایع مکمل کشاورزی همچون صنایع فرآوری و بسته‌بندی، بازاریابی و بازاریابی محصولات کشاورزی

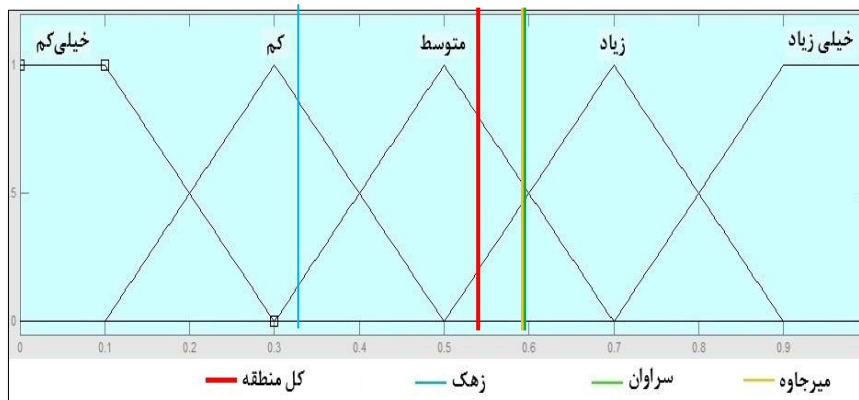
فرصت‌های اقتصادی و تولیدی، امکانات و خدمات زیربنایی، تسهیلات مالی و اجتماعی و... است، سهم بیشتری از شاخص‌های دیگر را در میان تهدیدکننده‌های امنیت دارد. از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی و میزان تهدیدکننده‌های امنیت، شهرستان‌های میرجاوه و سراوان تقریباً شرایط مشابهی دارند؛ اما شهرستان زهک تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دو شهرستان دیگر دارد. به طوری که سرمایه اجتماعی در شهرستان زهک کمترین میزان (۰/۴۱۲) و تهدیدکننده‌های امنیت بیشترین میزان (۰/۶۷۴) را به خود اختصاص داده است (جدول ۴، شکل‌های ۴ و ۵).

به منظور پاسخ به پرسش اول پژوهش از منطق فازی استفاده شد. یافته‌ها حاکی از میزان بالای سرمایه اجتماعی و میزان متوسط تهدیدکننده‌های امنیت در کل منطقه به ترتیب با درجه (۰/۶۲۸) و (۰/۵۹۳) است. از میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، شاخص مشارکت (۰/۶۶۷) و از بین شاخص‌های تهدیدکننده امنیت، شاخص محرومیت نسبی (۰/۷۱۶) بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. این بدان معناست که قابلیت سرمایه اجتماعی در زمینه‌های مشارکت و همیاری برجسته‌تر است و از سوی دیگر محرومیت نسبی که بیانگر احساس تبعیض قومی و مذهبی، نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی در زمینه توزیع

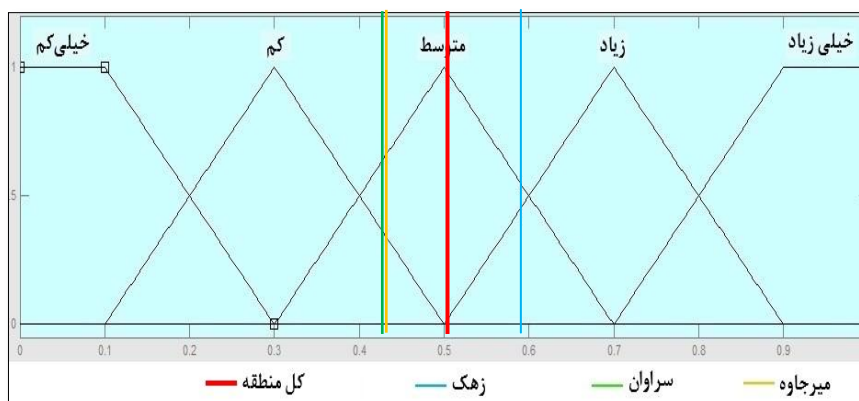
جدول ۴. میزان سرمایه اجتماعی و امنیت در سکونتگاه‌های مرزی مورد مطالعه

شهرستان	ابعاد	شاخص‌ها	درجه میانگین
میرجاوه	سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۶۱۰
		مشارکت اجتماعی	۰/۷۸۸
		انسجام اجتماعی	۰/۶۴۹
		کل	۰/۶۸۲
	امنیت	بی‌سازمانی اجتماعی	۰/۴۸۸
		محرومیت نسبی	۰/۶۷۸
		کنترل اجتماعی	۰/۳۸۹
		کل	۰/۵۱۸
سراوان	سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۶۸۱
		مشارکت اجتماعی	۰/۷۷۹
		انسجام اجتماعی	۰/۷۷۸
		کل	۰/۶۸۳
	امنیت	بی‌سازمانی اجتماعی	۰/۵۳۶
		محرومیت نسبی	۰/۷۲۵
		کنترل اجتماعی	۰/۴۲۹
		کل	۰/۵۱۷
زهک	سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۴۳۶
		مشارکت اجتماعی	۰/۳۷۴
		انسجام اجتماعی	۰/۴۱۳
		کل	۰/۴۱۲
	امنیت	بی‌سازمانی اجتماعی	۰/۷۵۳
		محرومیت نسبی	۰/۶۶۵
		کنترل اجتماعی	۰/۷۷۱
		کل	۰/۶۷۴
کل منطقه	سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۶۰۱
		مشارکت اجتماعی	۰/۶۶۷
		انسجام اجتماعی	۰/۶۱۷
		کل	۰/۶۲۸
	امنیت	بی‌سازمانی اجتماعی	۰/۵۵۵
		محرومیت نسبی	۰/۷۱۶
		کنترل اجتماعی	۰/۵۰۲
		کل	۰/۵۹۳

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)



شکل ۴. خروجی منطق فازی از میزان سرمایه اجتماعی در منطقه
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)



شکل ۵: خروجی منطق فازی از میزان تهدیدکننده‌های امنیت در منطقه
(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

به افزایش بی‌اعتمادی، کاهش مشارکت و کاهش همگرایی و انسجام اجتماعی بازمی‌گردد. از جنبه‌های دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که کاهش انسجام اجتماعی در گسترش تهدیدکننده‌های امنیت از سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی نقش برجسته‌تری (۱۷/۸۱-۰) دارد؛ اما کاهش اعتماد اجتماعی نسبتاً تأثیر کمتری (۹۰/۶-۰) در افزایش تهدیدکننده‌های امنیت دارد. علاوه بر این طبق یافته‌ها، بین تمامی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت در شهرستان‌های مورد مطالعه با مقداری شدت و ضعف، همبستگی وجود دارد. این همبستگی در شهرستان زهک با ضریب (۳۰/۶-۰) دارای شدت بالاتر و در شهرستان سراوان با ضریب (۰۶/۶-۰) دارای میزان نسبتاً پایین‌تری است (جدول ۵).

به‌منظور پاسخ به سؤال دوم پژوهش، به‌دلیل فقدان تبعیت داده‌ها از منحنی توزیع نرمال، از روش همبستگی اسپیرمن استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در محدوده مورد مطالعه بین سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت همبستگی منفی و شدیدی (۸۳۸/۰-۰) وجود دارد؛ بدین معنی که کاهش سرمایه اجتماعی با افزایش بی‌سازمانی اجتماعی، محرومیت نسبی و تضعیف کنترل اجتماعی همراه است. در این میان سرمایه اجتماعی با شاخص فقدان کنترل اجتماعی بیشترین همبستگی (۸۳۱/۰-۰) و با شاخص محرومیت نسبی کمترین همبستگی (۲۳۰/۰-۰) را دارد. علاوه بر این، کاهش سرمایه اجتماعی تا حد زیادی (۷۳۲/۰-۰) در افزایش بی‌سازمانی اجتماعی نقش دارد. اینکه بخش عمده بی‌سازمانی اجتماعی در منطقه

جدول ۵. بررسی رابطه همبستگی امنیت و سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های مرزی مورد مطالعه

شهرستان	شاخص‌ها	ارزش‌ها	امنیت		
			بی‌سازمانی	محرومیت	کنترل
میرجاوه	اعتماد	ضریب همبستگی	* -۰/۲۵۱	** -۰/۵۳۱	** -۰/۴۴۲
		سطح معنی داری	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	مشارکت	ضریب همبستگی	** -۰/۲۹۷	** -۰/۴۰۲	** -۰/۵۲۵
		سطح معنی داری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	انسجام	ضریب همبستگی	** -۰/۳۵۲	** -۰/۵۰۱	** -۰/۶۲۸
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کل	ضریب همبستگی	** -۰/۳۲۵	** -۰/۵۲۰	** -۰/۶۱۴	
سطح معنی داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
سراوان	اعتماد	ضریب همبستگی	** -۰/۱۹۵	** -۰/۳۴۶	** -۰/۴۳۷
		سطح معنی داری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	مشارکت	ضریب همبستگی	** -۰/۱۶۰	** -۰/۲۶۰	** -۰/۴۳۸
		سطح معنی داری	۰/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	انسجام	ضریب همبستگی	** -۰/۴۹۱	** -۰/۱۸۷	** -۰/۵۹۴
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کل	ضریب همبستگی	** -۰/۳۳۹	** -۰/۳۳۹	** -۰/۶۰۶	
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
زهک	اعتماد	ضریب همبستگی	** -۰/۵۶۶	** -۰/۵۲۷	** -۰/۵۹۸
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	مشارکت	ضریب همبستگی	** -۰/۴۶۸	** -۰/۴۴۲	** -۰/۵۵۹
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	انسجام	ضریب همبستگی	** -۰/۵۳۵	** -۰/۴۸۶	** -۰/۵۶۸
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کل	ضریب همبستگی	** -۰/۵۵۹	** -۰/۵۲۱	** -۰/۶۳۰	
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
کل منطقه	اعتماد	ضریب همبستگی	** -۰/۵۷۸	** -۰/۳۱۰	** -۰/۶۹۰
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	مشارکت	ضریب همبستگی	** -۰/۶۹۹	** -۰/۱۵۷	** -۰/۷۹۸
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	انسجام	ضریب همبستگی	** -۰/۷۵۱	** -۰/۱۹۰	** -۰/۸۱۷
		سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
کل	ضریب همبستگی	** -۰/۷۳۲	** -۰/۲۳۰	** -۰/۸۳۸	
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

مورد مطالعه از لحاظ سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت معنادار است. به طوری که از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی، بیشترین رتبه میانگین به شهرستان سراوان و از نظر میزان تهدیدکننده‌های امنیت بالاترین رتبه میانگین به شهرستان زهک اختصاص دارد.

به منظور پاسخ به سؤال سوم پژوهش، ضمن اینکه ارزیابی سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت و بررسی همبستگی بین این دو، تفاوت مکانی را از لحاظ موقعیت سیاسی-جغرافیایی در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد، معناداری این تفاوت از نظر آماری به وسیله آزمون کروسکال والیس (H) نیز تأیید شد (جدول ۶)؛ بدین معنی که تفاوت بین شهرستان‌های

جدول ۶. بررسی تفاوت میزان سرمایه اجتماعی و فقر در شهرستان‌های نمونه با آزمون H

شاخص‌ها	شهرستان	رتبه میانگین	مقدار خی‌دو	درجه آزادی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	میرجاوه	۳۱۶/۷۲	۲۹۹/۵۹۳	۲	۰/۰۰۰
	سراوان	۳۴۱/۳۰			
	زهک	۸۷/۵۳			
امنیت	میرجاوه	۱۸۰/۱۷	۳۲۱/۰۶۹	۲	۰/۰۰۰
	سراوان	۱۸۲/۵۱			
	زهک	۴۳۸/۱			

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

بر اساس آزمون U (من- ویتنی) بین سکونتگاه‌های شهری و روستایی از لحاظ میزان سرمایه اجتماعی و میزان تهدیدکننده‌های امنیت تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود؛ بدین معنی که شهری یا روستایی بودن بر روی میزان سرمایه اجتماعی و میزان تهدیدکننده‌های امنیت تأثیری نداشته است (جدول ۷).

جدول ۷. بررسی تفاوت مکانی سرمایه اجتماعی و فقر در منطقه با آزمون من-ویتنی

امنیت		سرمایه اجتماعی		شاخص‌ها
شهری	روستایی	شهری	روستایی	نوع سکونت
۲۶۶/۵۳	۲۵۵/۶۹	۲۶۵/۳۷	۲۵۶/۳۲	رتبه میانگین
۲۹۲۹۷/۰۰۰		۲۹۵۰۸/۰۰۰		آماره من-ویتنی
۸۵۹۱۳/۰۰۰		۸۶۱۲۴/۰۰۰		آماره W ویلکاکسون
-۰/۷۸۷		-۰/۶۵۷		آماره Z
۰/۴۳۱		۰/۵۱۱		سطح معناداری

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

قابل ملاحظه‌ای به‌شمار می‌آید، می‌توان به مدیریت ناکارآمد این منطقه مرزی اشاره کرد که در آن نگاه امنیتی و انتظامی غالب است. به دلیل ضعف‌های زیرساختی در منطقه و بی‌اعتمادی به عملکرد گذشته دولت و مرزداران، از طرح‌های اقتصادی استقبال نمی‌شود و به همین علت هم سرمایه‌گذاران ریسک نمی‌کنند. در رابطه با فعالیت‌های صنعت و معدن تمهید مؤثر و مثمری اندیشیده نشده، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، آموزش، ارتباطات و اطلاعات، بهداشت و درمان و دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و خدمات رفاهی و امثال آن هم بسیار ضعیف است و هم عادلانه توزیع نشده است. نیز این منطقه مرزی از لحاظ کارکردی و کنترل ورود و خروج و از نظر سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌های توسعه مناطق مرزی ناکارآمد است؛ زیرا از یک سو فعالیت‌ها و اقدامات بحران‌زایی همچون تداوم قاچاق سوخت، کالا و قاچاق انسان به‌خصوص در شهرستان سراوان و تا حدودی

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی از عوامل کلیدی و مؤثر در توسعه پایدار اجتماعات انسانی به‌ویژه در مناطق حساس و بحران‌زای مرزی همچون مرزهای شرق ایران (مرز ایران با پاکستان و افغانستان) محسوب می‌شود. تجربیات جهانی نشان می‌دهد که عوامل تهدیدکننده امنیت تا حد زیادی تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار دارد. این مبحث در مسئله پژوهش و مبانی نظری مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر تبیین رابطه سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت و بررسی تفاوت‌های مکانی آنها را در سه شهرستان مرزی میرجاوه، سراوان و زهک، هدف قرار داد، که نتایج آن به صورت ذیل ارائه می‌شود:

میزان سرمایه اجتماعی نسبتاً بالا و میزان تهدیدکننده‌های امنیت در حد متوسط ارزیابی شد. از مهمترین علل این میزان سرمایه اجتماعی و میزان متوسط تهدیدکننده‌های امنیت در منطقه که میزان

و بزهکاری و نیز تضعیف تعهدات اجتماعی در برقراری امنیت و... همراهی می‌کند. از طرف دیگر میزان همبستگی و همراهی محرومیت نسبی (احساس تبعیض قومی و مذهبی، احساس نابرابری در توزیع ناعادلانه فرصت‌های شغلی و درآمدی، امکانات و خدمات زیربنایی و امثال آنها) با کاهش سرمایه اجتماعی در منطقه کم‌رنگ‌تر است؛ اما از آنجاکه احساس محرومیت از نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و فضایی - که خود تولیدکننده بی‌عدالتی و نارضایتی هستند - بی‌اعتمادی و عدم همکاری را در پی دارند؛ بی‌اعتمادی، عدم تعاون و همیاری نیز به تضعیف انسجام اجتماعی یا فقدان همگرایی منجر می‌شود. نتایج نشان داد که کاهش انسجام اجتماعی بیشترین همراهی را در افزایش تهدیدکننده‌های امنیتی و کاهش اعتماد اجتماعی کمترین همراهی را در این رابطه دارد. این مسئله بیانگر تأثیر کلیدی انسجام اجتماعی بر امنیت مناطق مرزی است که از بی‌اعتمادی و نارضایتی نشأت می‌گیرد. بی‌اعتمادی و نارضایتی خود زاینده نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و فضایی در مقیاس منطقه‌ای و محلی هستند؛ بنابراین چون در محدوده مورد مطالعه بالاترین میزان تهدیدکننده‌های امنیتی به شاخص «محرومیت نسبی» اختصاص یافته است، می‌توان آن را علت اصلی برجسته شدن نقش شاخص‌های بی‌سازمانی و کنترل اجتماعی در کاهش سرمایه اجتماعی قلمداد کرد. این نتایج با دیدگاه‌های جودیس بلاو و پیتز بلاو (۱۹۸۲)، ویلکینسون (۱۹۹۶) و نتایج تحقیقات کاواچ و همکاران (۱۹۹۷) همخوانی دارد. همچنین همبستگی شدید و معکوس سرمایه اجتماعی با فقدان کنترل اجتماعی مؤید دیدگاه تراویس هیرشی درباره همنوایی اجتماعی است. رابطه معکوس و بالای بین سرمایه اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی نیز تا حد زیادی با دیدگاه سمپسون و گروز (۱۹۸۹) منطبق است. نتایج، همبستگی بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تهدید کننده‌های امنیت را در شهرستان زهک با شدت بالاتر و در شهرستان سراوان با میزان نسبتاً پایین‌تری

میرجاوه هنوز متداول است و از سوی دیگر به رویکرد فرصت‌زایی و فرصت‌سازی مرز و به تبع آن به مشارکت مؤثر و معیشت پایدار مرزنشینان در جهت توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی توجه لازم نشده است. این مسئله مانع رشد و انباشت سرمایه اجتماعی و حتی سبب فرسایش تدریجی این سرمایه و در مقابل رشد عوامل تهدیدکننده امنیت شده است. از طرف دیگر اقتصاد محلی در منطقه با ضعف‌ها و چالش‌های اساسی مواجه است (بیکاری بالا و مشکلات عدیده پولی و مالی که عمدتاً در اثر کم‌آبی و چالش‌های بخش کشاورزی و فقدان توجه به زیرساخت‌های تولیدی کشاورزی و صنایع مکمل آن به وقوع پیوسته، گریبان‌گیر مردم مرزنشین شده است؛ زیرا ضمن اینکه اقتصاد کشاورزی ساماندهی نشده و معیشت جایگزینی برای مردم تعریف نشده است، فرصت‌های تجاری مرز برای معیشت مردم محلی کارساز نبوده و عموم مردم از فعالیت‌های رسمی و قانونی مرز سهم‌چندانی نمی‌برند). همه این مسائل روی هم رفته باعث نارضایتی و بی‌اعتمادی از عملکرد دولت، نیروهای امنیتی - اطلاعاتی و مرزداران شده است.

رابطه معکوس و معناداری در حد بالا بین سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت مشاهده شد؛ بدین معنی که کاهش سرمایه اجتماعی در افزایش بی‌سازمانی، محرومیت نسبی و بی‌کنترلی اجتماعی، مؤثر است. به عبارتی کاهش سرمایه اجتماعی تابعی است از افزایش تهدیدکننده‌های امنیت و نیز سرمایه اجتماعی همبستگی شدیدی را با شاخص فقدان کنترل اجتماعی و همبستگی پایینی را با شاخص محرومیت نسبی نشان داد و اینکه کاهش سرمایه اجتماعی بیشتر به تضعیف کنترل اجتماعی انجامیده و کمتر در افزایش محرومیت نسبی تأثیر داشته است. این بدان معناست که کاهش اعتماد مردم به مسئولان و نیروهای امنیتی و مدیران محلی، کاهش مشارکت و همگرایی با افزایش وقوع سرقت‌ها و درگیری‌های مسلحانه مقطعی، کاهش دسترسی به نیروهای امنیتی در مواقع اضطراری، عدم همراهی مردم در کنترل جرم

حاصل از تجارت قانونی مرزی عاملی محوری در افزایش احساس محرومیت نسبی قلمداد می‌شود. تفاوت سرمایه اجتماعی و تهدیدکننده‌های امنیت بین شهرستان‌ها از لحاظ آماری تأیید شد. به طوری که کمترین سرمایه اجتماعی و بیشترین تهدیدکننده‌های امنیت به شهرستان زهک اختصاص داشت؛ اما بین نواحی روستایی و مناطق شهری از لحاظ میزان این دو شاخص تفاوت معناداری مشاهده نشد. این بدان معناست که زمینه‌های ایجاد ناامنی و یا بدبینی و بی‌اعتمادی مردم به مسئولان، نیروهای امنیتی، مدیران محلی و حتی به خود مردم در شهرستان زهک نسبت به دو شهرستان دیگر بیشتر است. دلیل این مسئله را باید در ضعف‌های اقتصادی، زیرساخت‌های تولیدی و تحولات اقتصادی دهه اخیر از جمله احداث دیوار مرزی و به هم ریختن مبادلات مرزی جستجو کرد. همچنین می‌توان گفت از یک سو چون شهرهای منطقه، شهرهای کوچکی (روستا- شهر) هستند و از نظر ماهیت شرایط اجتماعی- فرهنگی تفاوت قابل ملاحظه‌ای با ماهیت زندگی روستایی ندارند و از سوی دیگر مقیاس وقوع عوامل تهدیدکننده امنیت محدود به یک شهر و روستای کوچک نیست، بلکه فراتر از آن است. این بدان معناست که ناامنی غالباً به صورت ناحیه‌ای و یا منطقه‌ای رخ می‌دهد و اینگونه درک و احساس می‌شود؛ بنابراین نتایج کلی پژوهش حاکی از میزان نسبتاً بالای سرمایه اجتماعی اما نه چندان قابل ملاحظه، میزان بالای زمینه‌های ایجاد ناامنی و تأثیر شدید کاهش سرمایه اجتماعی بر گسترش تهدیدکننده‌های امنیتی در منطقه مرزی مورد مطالعه است. دلیل و ریشه اصلی این مسئله را باید در زمینه‌ها و شرایط نامساعد معیشتی مرزنشینان منطقه جستجو کرد؛ زیرا متولیان مرز و توسعه مناطق مرزی در این منطقه، ضمن داشتن نگاه صرفاً امنیتی و انتظامی به مرز، در عمل توجه بر سایر ابعاد زندگی مرزنشینان را در پیوند با امنیت و توسعه منطقه‌ای و ملی از یاد برده‌اند یا اهمیت چندان برای آن قائل نیستند.

نشان داد. این نشانگر آن است که کاهش سرمایه اجتماعی تابعی است از افزایش تهدیدکننده‌های امنیت؛ بدین معنی که در شهرستان زهک میزان پایین سرمایه اجتماعی، با میزان بالای تهدیدکننده‌های امنیت همراهی دارد که بیشتر در کاهش کنترل اجتماعی نقش ایفا می‌کند؛ از این رو می‌توان گفت که دلیل اصلی میزان بالای تهدیدکننده‌های امنیت در شهرستان زهک به میزان پایین سرمایه اجتماعی مربوط می‌شود، که در اثر مشکلات اقتصادی- اجتماعی متأثر از کم‌آبی و ایجاد مرز فیزیکی به وجود آمده است؛ زیرا در اثر خشکسالی‌های بعد از سال ۱۳۷۷ بسیاری از ساکنان این منطقه معیشت اصلی خود یعنی کشاورزی و دامداری را از دست دادند. در پی آن عده‌ای دست به مهاجرت زدند و عده بیشتری از راه تجارت غیررسمی و قاچاق به معاش پرداختند؛ اما از سال ۱۳۸۴ که احداث دیوار مرزی آغاز شد تا سال ۱۳۹۰ که به اتمام رسید، دست این عده از تجارت غیررسمی کوتاه شده و هیچ راه معاش جایگزینی برای‌شان تعریف و تعیین نشد. این مسئله خود احساس بی‌عدالتی و نارضایتی را بالا برد و به گسترش بی‌اعتمادی کمک کرد؛ اما در شهرستان‌های سراوان و میرجاوه که از سرمایه اجتماعی نسبتاً بالاتری برخوردارند، میزان تهدیدکننده‌های امنیت در حد متوسط است؛ یعنی سرمایه اجتماعی نسبتاً بالاتر اجازه نداده است که میزان تهدیدکننده‌های امنیت از حد متوسط فراتر رود. با این وجود میزان تهدیدکننده‌های امنیت در حد قابل توجهی است و می‌تواند در بحران‌آفرینی توسعه‌ای و امنیتی خطرناک و زیان‌بار باشد. این خطر در شهرستان سراوان به علت میزان بالای محرومیت نسبی بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا این منطقه مرزی از بیشتر زیرساخت تولیدی و خدمات زیربنایی از جمله شبکه‌های حمل‌ونقل و خدمات ارتباطی- اطلاعاتی و آموزشی بی‌بهره یا بسیار کم‌برخوردار است. همچنین بی‌عدالتی‌های موجود در سیاست‌گذاری و توزیع طرح‌های اقتصادی و منافع

منابع

سراج‌زاده، سید حسین؛ گیلانی، اشرف. (۱۳۸۸). بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران). مجله رفاه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۲۲۳-۲۴۴.

سلیقه، محمد؛ بریمانی، فرامرز؛ اسماعیل‌نژاد، مرتضی. (۱۳۸۷). پهنه‌بندی اقلیمی استان سیستان و بلوچستان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۲، صص ۱۱۶-۱۰۱.

شیخ‌بیگللو، رعنا؛ تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران. مجله رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۲۱۴-۱۸۹.

صالحی‌امیری، سید رضا؛ افشاری‌نادری، افسر. (۱۳۹۰). مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران. فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵، صص ۷۶-۴۹.

صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۷۳). آسیب‌شناسی اجتماعی. واحد آموزش جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، شاخه علوم اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

عباس‌زاده، محمد؛ محمدباقر، علیزاده‌اقدم؛ سیدرضا، اسلامی بناب. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۷۲-۱۴۵.

عرف، جواد. (۱۳۷۶). مطالعه جامعه‌شناختی میزان تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر کنش جمعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

عسگری، حشمت‌الله؛ شرافت، سجاد. (۱۳۹۲). تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: دهستان هجدان دشت، شهرستان مهران). پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۸۷۹-۸۵۱.

عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام‌عباس توسلی. تهران: حکایت قلم نوین.

فیروزآبادی، سیداحمد؛ ایمانی‌جاگرمی، حسین. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان‌شهر تهران. مجله رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۴-۱۹۷.

فیلد، جان. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی. تهران: انتشارات کویر.

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ کوهزاد رئیس‌پور. (۱۳۹۰). بررسی روند تغییرات درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی سیستان و بلوچستان با بهره‌گیری از تاکسونومی عددی طی دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵. مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۹، شماره ۲۴، صص ۷۶-۵۱.

اسماعیل‌زاده، خالد. (۱۳۸۷). مطالعه انسان‌شناختی بازارچه مشترک مرزی با رویکرد انسان‌شناسی اقتصادی، نامه انسان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۶۵-۳۸.

بنی‌فاطمه، حسین؛ عباس‌زاده، محمد؛ فاطمی، داوود. (۱۳۹۱). بی‌سازمانی اجتماعی و بزهکاری نوجوانان پسر شهر زنجان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۱، صص ۳۶-۱۳.

بیات، بهرام. (۱۳۸۹). تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی پلیس و امنیت عمومی (میزان بروز جرایم). فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۸۶-۵۱.

پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای درحال‌گذار. ترجمه محمدتقی دلفروز. چاپ اول. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

پیلتن، فخرالسادات؛ برومند، مختار. (۱۳۹۳). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی در شهر جهرم. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۱۹.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.

ذاکری‌ماهانه، راضیه؛ افشانی، علیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، صص ۱۱۰-۸۳.

راموز، ملیحه. (۱۳۸۳). تربیت دینی و امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳، صص ۸۹-۷۰.

رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۱). سنجش درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تحلیل تاکسونومی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، دوره ۵۱-۵۰، شماره ۱۶۳-۱۶۲، صص ۴۷۴-۴۵۹.

زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۷۹). سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۰۴-۹۱.

- Ackaert, J; Craen, V.M. (2006). Quality of Social Existence in Local Democracy. Paper to be presented at the XVI ISA World Congress of Sociology. Durban, South-Africa, 23-29 July 2006./ RC03 Sessions.
- Al-jarrah, O; Abu-Qdais, H. (2006). Han, Municipal solid waste landfill sitting using intelligent system. Waste Management 26, 299-306.
- Beyerlein, K and Hipp, J. (2005). Social Capital, Too Much of a Good Thing? American Religious Traditions and Community Crime, Journal of Social Forces, 84 (2), 995-1013.
- Boldrin, M; De Nardi, M; Larry, E. (2015). Fertility and Social Security, Journal of Demographic Economics, 81 (3), pp. 261-299.
- Bourdieu, p. (1986). The forms of capital, in J. G. Richardson (ed). Handbook of Theory and Research for the sociology of Education, New York: Landon: Greenwood press.
- Caring, R. L. (1987). Training and development handbook, Third edition, new York: Mc Graw-Hill Book Company.
- Coleman, J. S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital, American Journal of Sociology, Vol 94: 95- 120.
- Eldridge, I. (2005). Mean little Girls, Cwk Network, Inc.
- Greenberg, S; Rone, W; Williams, L. (1982). Safety in Urban Neighborhoods, Population and Environments, 5.
- Jackson, J and Gray, E. (2007). Functional Fear: Adaptational Features of Worry about Crime, London School of Economics, Working Paper.
- Jones Richard, W. (1999). Security, Strategy, and Critical Theory, London, Lynne Rienner Publications.
- Kawachi, I; Kennedy B; Lochner, K; and Prothrow-Stith, D. (1997). Social capital, income inequality, and mortality. American Journal of Public Health, Vol. 87, No. 9, pp. 1491-1500.
- Lindstrom, M and et al. (2008). Social capital, anticipated ethnic discrimination and self-reported psychological health: A population- based study, Social Science & Medicine, 66 (1): 1-13.
- Osler, A and et al. (2001). Not a problem? Girls and School Exclusion, National Children's Bureau.
- Putnam, R. (1995). Bowling Alone: America's Declining Social Capital, Journal of Democracy. 6: Pp65-78
- Robinson, J; Lawton, B.A., Taylor, R.B., and Perkins, D. (2003). Multilevel longitudinal impacts of incivilities: Fear of crime, Expected safety, and block satisfaction. Journal of Quantitative Criminology Vol. 19, No 3: PP 237- 274.
- قاسمی اردهایی، علی. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی. مجله روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۲۰-۱.
- قائد رحمتی، صفر؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ محمدی، علی. (۱۳۸۹). تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان. مجله آمایش محیط، دوره ۳، شماره ۹، صص ۹۷-۱۱۳.
- قدیمی، مهدی؛ قاسمی، حامد. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان). فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی زنجان.
- کردستانی، غلامرضا؛ رحیمی، مصطفی. (۱۳۸۸). کاربرد منطق فازی در حسابداری و تصمیم‌گیری‌های مالی. مجله حسابرس، شماره ۴۷، صص ۹۳-۸۶.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محمدپور، علی. (۱۳۸۵). نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه جغرافیا، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهرا. (۱۳۸۱). سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی). مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲ (ویژه نامه آسیب‌های اجتماعی در ایران)، صص ۲۵-۳.
- مولایی، محمد. (۱۳۸۶). مقایسه درجه توسعه‌یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳. مجله رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۴۱-۲۵۸.
- نادری، حمدالله؛ جاهد، محمدعلی؛ شیرزاده، مهین‌دخت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اردبیل). مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۸۷-۵۹.
- نیازی، محسن؛ شغایی‌مقدم، الهام؛ شادفر، یاسمین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران. فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۶۰-۱۳۱.

Skogan, W.G. (1986). Fear of Crime and Neighborhood Change, in Reiss A. & Tonry M. (eds), *Crime and Justice: An Annual Review of Research*, The University of Chicago Press, Chicago, 8: 203-229.

Waver, O. (2009). *Waltz's Theory of Theory*, Journals Permissions, Vol. 23, No 2.

Sampson, R and Groves, B. (1989). Community Structure and Crime: Testing Social Disorganization Theory, *American Journal of Sociology*, 94, pp: 774-802

Sampson, R., Raudenbush, S and Earls, F. (1997). Neighbourhoods and violent crime: a multilevel study of collective efficacy, *Science*, vol. 277, pp. 918-924.

